



## تأثیر قوانین سازمان قضایی نیروهای مسلح در پیشگیری از وقوع جرم (مطالعه موردی کارکنان فرماندهی انتظامی استان کرمان)

ناصر فرشید، امین یادگارنژاد، سعید علوی<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۲/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۱۸

### چکیده

اگر چه امروزه تنها راه اصلاح مجرمین و پیشگیری از جرایم را استفاده از قوانین کیفری نمی‌دانند و به نوعی آن را جزء پیشگیری‌های جرم مدار و مجرم مدار دسته بندی می‌نمایند. لیکن به دلیل وقوع انواع جرم و تخلف در سازمان‌ها و جوامع از جمله نیروهای مسلح، خصوصاً نیروی انتظامی که جزئی از پیکره‌ی نیروهای مسلح می‌باشد. وضع قوانین کیفری، تعیین کیفر، اجرای آن بر مجرمین و نهایتاً اصلاح کارکنان با تأثیر بر افکار آن‌ها اجتناب ناپذیر است؛ لذا در این تحقیق سعی شده تا با توجه به اهداف تحقیق، با بررسی اجمالی در خصوص قوانین قضایی نیروهای مسلح نقش اصلاحی این قوانین را در کارکنان فا. استان کرمان و نهایتاً پیشگیری از جرایم تحت عنوان پیشگیری کیفری صورت پذیرد. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که قوانین سازمان قضایی نیروهای مسلح که برگرفته از حقوق اسلامی می‌باشند. در جرایمی مانند استعمال مواد مخدر، حمل و نقل مواد مخدر و سوء استفاده از موقعیت‌های شغلی، افزایش مجازات کارکنان متخلف در سال ۹۳ نسبت به سال ۹۲ باعث کاهش وقوع این جرایم به ترتیب به میزان ۵/۵۷٪، ۳۳/۵٪ و ۲۳/۵٪ گردیده است. ولی در جرایمی مانند ارتشاء افزایش مجازات تأثیری در روند کاهش وقوع جرایم توسط کارکنان را نداشته، همچنین در جرایمی مانند ضرب و جرح، کاهش مجازات‌ها در سال ۹۳ نسبت به سال ۹۲ نه تنها باعث افزایش وقوع جرم ضرب و جرح نگردیده بلکه کاهش وقوع این جرم به میزان ۱۷٪ را در سال ۹۴ به همراه داشته است؛ لذا جهت پیشگیری از جرایم و سالم سازی کارکنان فا. استان کرمان و تبدیل آسیب‌های درون سازمانی به فرصت بایستی سایر عوامل و روش‌های تأثیر گذار در پیشگیری از وقوع جرایم و اصلاح کارکنان (پیشگیری غیر کیفری) نیز مد نظر قرار گیرد.

واژگان کلیدی: نیروی انتظامی، قوانین سازمان قضایی نیروهای مسلح، جرم، پیشگیری از جرم.



۱- کارشناس ارشد فرماندهی و مدیریت انتظامی، ۰۳۴۲۱۸۲۱۲۹

۲- کارشناس ارشد فرماندهی و مدیریت انتظامی، عضو پژوهشگران دفتر تحقیقات کاربردی ف.ا. کرمان، (نویسنده مسئول) ۰۳۴۲۱۸۲۱۲۸ Asadyadegar6@yahoo.com

۳- کارشناس ارشد علوم سیاسی، عضو پژوهشگران دفتر تحقیقات کاربردی ف.ا. کرمان، ۰۹۱۳۲۷۳۰۰۱ - Alavi.21@yahoo.com

## مقدمه

برابر ماده‌ی دو قانون نیروی انتظامی مصوب ۱۳۶۹/۴/۲۷ مجلس شورای اسلامی در تعریف نیروی انتظامی آمده است که: نیروی انتظامی سازمانی است مسلح در تابعیت فرماندهی کل قوا و وابسته به وزارت کشور که هدف از تشکیل آن استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی و نگهداری و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی در چارچوب این قانون در قلمرو کشور جمهوری اسلامی ایران است (احمدی، ۱۳۸۹: ۴).

چنانچه عنوان گردید استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی و نگهداری و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی از مأموریت‌های نیروی انتظامی بوده و علاوه بر آن وظایفی به شرح ذیل بر عهده دارد.

۱- مبارزه با مواد مخدر؛ ۲- مبارزه با قاچاق؛ ۳- مبارزه با منکرات و فساد؛ ۴- پیشگیری از وقوع جرایم؛ ۵- کشف جرائم؛ ۶- بازرسی و تحقیق؛ ۷- حفظ آثار و دلایل جرم؛ ۸- دستگیری متهمین و مجرمین و جلوگیری از فرار و اختفای آن‌ها؛ ۹- اجراء و ابلاغ احکام قضایی؛ ۱۰- انجام امور مربوط به تشخیص هویت و علمی جرایم؛ ۱۱- مراقبت و کنترل مرزبانی جمهوری اسلامی ایران؛ ۱۲- اجرای قوانین و مقررات مربوط به گذرنامه؛ ۱۳- اجرای قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی؛ ۱۴- اجرای قوانین و مقررات وظیفه عمومی؛ ۱۵- نظارت بر اماکن عمومی؛ ۱۶- همکاری با سایر نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران (همان، ۱۶-۱۷).

با عنایت به تعریف، شرح وظایف و مأموریت‌های نیروی انتظامی آنچه که تداعی می‌گردد آنست که حوزه اقدامات نیروی انتظامی به عنوان یکی از نیروهای مسلح کشور جهت تأمین و حفظ امنیت بسیار گسترده است به نحوی که کارکنان آن با بسیاری از اقشار جامعه از مسئولان کشوری و فرهنگی تا باندهای قاچاق موادمخدر، قاچاق ارز و کالا، سارقان، جنایتکاران و... ارتباط داشته و در این میان تأثیراتی نیز از محیط و شرایط اطراف خود به صورت مثبت و منفی دریافت می‌نمایند و بعضاً به دلیل مهیا بودن شرایط؛ کارکنانی که از ضعف ایمان و عدم پابندی به مسائل دینی، اعتقادی و وجدانی برخوردار هستند بیشتر از سایر قشرهای جامعه در معرض تخلف قرار می‌گیرند.

وقوع جرایم و تخلفات در مناطق جرافیایی خاص از جمله استان کرمان که به عنوان پل ارتباطی ترانزیت موادمخدر از استان‌های شرقی به داخل کشور به شمار می‌رود، همچنین مواردی چون ورود کالاهای قاچاق از جنوب و شرق کشور به استان‌های





مرکزی و شرایط جغرافیایی خاص منطقه از جمله گستردگی، پراکندگی جمعیت، وجود بیکاری، فقر نسبی، حضور زنان و دختران فراری و خیابانی و کمبود درآمد در جنوب استان زمینه دست زدن به تخلفات عدیده‌ای را فراهم، و به تبع آن بستر مناسبی را برای معدودی از کارکنان با دلایل یادشده و انگیزه دستیابی به ثروت‌های نامشروع ایجاد می‌کند تا با داشتن اختیارات قانونی و قضایی که بر عهده دارند با مجرمین همراه شده و امنیت جامعه را در همه ابعاد آن به مخاطره افکنند.

لذا از آن جایی که وقوع این گونه جرایم همیشه در جوامع و سازمان‌های گوناگون وجود دارد به ناچار بایستی علاوه بر وضع قوانین کیفری و قضایی جهت این گونه افراد که خود تهدیدی علیه امنیت جامعه می‌باشند. اعمال قوانین نیز به گونه‌ای باشد که تا با اصلاح مجرمین این تهدیدات و آسیب‌ها به فرصت تبدیل و علاوه بر اصلاح مجرمین زمینه‌های پیشگیری از انجام مجدد جرایم پدید آید؛ لذا مسئله اصلی این تحقیق پاسخ دادن به این سوال است که: قوانین سازمان قضایی نیروهای مسلح و مجازات افراد چگونه باعث اصلاح و پیشگیری از جرایم در کارکنان فرماندهی انتظامی استان کرمان که شرایط بالقوه مجرمیت در آن‌ها به دلایل ذکر شده وجود دارد محقق می‌گردد.

## اهداف تحقیق

هدف اصلی:

بررسی نقش قوانین سازمان قضایی نیروهای مسلح در مجازات افراد خاطی جهت اصلاح و پیشگیری از جرایم.

اهداف فرعی:

- تبیین اصلاح افراد و پیشگیری از جرایم در کارکنان فا. استان کرمان با اجرای قوانین سازمان قضایی نیروهای مسلح.
- بررسی اجمالی قوانین سازمان قضایی نیروهای مسلح.

## چار چوب نظری

تاریخچه محاکم نظامی: در ایران تا قبل از سال ۱۳۰۰ نظم و ترتیبی از حیث مرجعیت مراجع قضایی نظامی وجود نداشت زیرا خود این مراجع به صورت امروزی موجود نبود در سال ۱۳۰۱ قانون تشکیلات محاکم نظامی، قانون اصول محاکمات نظامی و قانون جزای نظامی ملاک عمل مراجع قضایی نظامی در رسیدگی به جرایم نظامیان





واقع می‌شد تا این که در سال ۱۳۱۸ قانون آیین دادرسی و کیفری ارتش در ۴۲۶ ماده و ۴۵ تبصره به تصویب رسید. قانون اخیر الذکر با اصلاحاتی تا سال ۱۳۵۴ حاکمیت داشت تا اینکه مجلس طی ماده واحده‌ای به دولت اجازه داد تا نسبت به تنظیم و اصلاح پاره‌ای از مواد قانونی دادرسی ارتش اقدام نماید در سال ۱۳۵۴ دولت با استفاده از این ماده واحده، قانون اصلاح قسمتی از قانون دادرسی و کیفر ارتش و نسخ بعضی از مواد قانون مجازات عمومی را به تصویب رسانید (شامبیاتی، ۱۳۷۱: ۶۴). قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷، نظام دادرسی کیفری در کشورمان به تبعیت از حقوق فرانسه بر پایه نظام دادرسی مختلط شکل گرفته بود. پس از واقعه فوق، با توجه به لزوم انطباق کلیه قوانین و مقررات کشور با موازین شرع و توجه ویژه به قوه قضائیه برای انطباق آن با نظام قضاء اسلامی، قوانین متعددی در زمینه سازمان قضایی مراجع بدوی و تجدید نظر به تصویب رسید. یکی از دلایل کثرت قانون‌گذاری‌های گاه شتابزده در این دوران نیز، قصد قانون‌گذار برای سرعت بخشیدن به روند اسلامی نمودن دستگاه قضایی و انطباق آن با شیوه‌های دادرسی اسلامی بوده است (خالقی، علی، ۲۱: ۱۳۹۰).

در حقوق کنونی، مجازات مجرم کمتر جنبه انتقام جویی و تصویبه حساب شخصی دارد و دولت کیفری را که قانون برای اصلاح مجرم و تنبّه سایرین مفید و سزاوار می‌داند درباره مرتکب اجرا می‌کند (کاتوزیان، ناصر ۱۳۹۰: ۹۵).

دلایل الزام دادگاه‌های نظامی و کیفر افراد خاطی: ۱- جرم ارتكابی از طرف یک فرد نظامی در حین خدمت و یا به سبب خدمت، با توجه به موقعیت نیروهای مسلح و وظیفه سنگینی که از حیث حفظ و حراست مرزهای سیاسی کشور و حفظ استقلال ارضی مملکت دارد واجد اهمیت خاصی است. گاهی اتفاق می‌افتد که عمل ارتكابی از جانب یک نظامی، از حیث حقوق عمومی جرم نبوده و یا حداکثر تخلف انتظامی به شمار رود، در حالی که در قوانین جزائی نظامی جزء جرایم مهمّه به شمار آمده و مجازات شدیدی برای مرتکب آن در نظر گرفته شده است. ۲- جرم انجام شده توسط نیروهای مسلح بایستی مشمول مقررات نظام بوده و آثار و نتایج وقوع چنین اعمالی باید توسط محاکم نظامی درک شود؛ لذا در این خصوص محاکم باید نظامی باشند. ۳- با توجه به اینکه جرم نظامی خصوصیات ویژه‌ای دارد و قاضی نظامی نیز تخصصی ویژه در تشخیص و رسیدگی به جرم نظامی دارد این رسیدگی و تشخیص باید بر طبق قواعد خاصی از جهت آیین دادرسی به عمل آید. این مقررات دارای





مشخصات ویژه‌ای به شرح زیر است.

الف- امر تعقیب: تعقیب افراد نظامی به عمل نمی‌آید مگر پس از صدور امر تعقیب از سوی فرمانده مربوطه.

ب- مهلت‌های قانونی در رسیدگی‌های نظامی کوتاه‌تر است و از طرفی چون پیش بینی جرایم نظامی و مجازات آن‌ها اصولاً برای حفظ و استقرار نظم در داخل نیروهای مسلح است؛ لذا بین زمان وقوع جرم و اعمال مجازات، فاصله زمانی رسیدگی نباید چندان طولانی باشد که وقوع بزه از خاطر فراموش شده باشد. این خصوصیت سرعت عمل در رسیدگی‌های عمومی که اساس کار بر کشف واقع و قناعت و جدانی دادرس بر وقوع جرم تکیه دارد نه عملی است و نه منطقی (شامبیانی، ۱۳۷۱: ۶۵-۶۶).

۳- شدت عمل قوام استقلال و تمامیت اراضی بستگی به وجود نیروهای مسلح دارد و قدرت و کاربرد آن در درجه اول قائم به وجود نظم و انضباط محکم و مستقر در آن و رعایت آن از طرف افراد نظامی و انتظامی است. بنابراین تخلفات داخل محدوده مقررات نظامی باید با شدت بیشتری مورد تعقیب و رسیدگی و مجازات قرار گیرند (همان، ۶۵). با توجه به موارد فوق، وجود دادگاه‌های نظامی ضروری است و همین امر مورد تأکید قانون اساسی جمهوری اسلامی قرار گرفته است.

نقش قوه قضائیه و سازمان قضایی نیروهای مسلح در پیشگیری از جرایم و برخورد با مجرمان: از اهداف اصلی حاکمیت در جامعه، حفظ حقوق عمومی، گسترش و اجرای عدالت و تأمین آزادی‌های فردی و اجتماعی است که نیل به آن از طریق مراجع غیر قضایی و مطلوب به نظر می‌رسد. علاوه بر اقدامات تعقیبی و جزایی که بر اساس آن متهمان و متجاوزان به کیفر می‌رسند، اقدامات ارشادی، تامینی و زمینه مناسبی برای جلوگیری از تکوین جرم باشد.

قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و... است (اصل ۱۵۶ قانون اساسی).

قوه قضائیه با به‌کارگیری افرادی متخصص و پیش‌بینی‌های لازم می‌تواند در جهت جلوگیری از وقوع جرم نقش ارزنده‌ای ایفا کند با توجه به اصل حاکمیت قانون باید کلیه اعمال قضایی در تمام مراحل و مراتب بر اساس قانون باشد. بدین لحاظ قوه قضائیه برای اجرای وظایف خود نیازمند قوانین فراوان است.

هر چند که ایجاد نظم و امنیت عمومی از وظایف قوه مجریه به شمار می‌آید این امر مانع آن نیست که قوه قضائیه با اسلوب‌های خاصی که با این قوه سنخیت دارد به انجام





این مهم بپردازد و از ظهور و بروز جرایم متعدد به نحو شایسته جلوگیری کند. در این خصوص می‌توان تحت عنوان «اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمان» از بند ۴ اصل ۱۵۶ قانون اساسی که مورد توجه قانون گذار قرار گرفته استفاده کرد (نجفی ابرند آباد، ۱۳۸۲).

بدین ترتیب می‌توان اقدامات تأمینی و سلب آزادی برخی از مجرمان و اقدامات محدودکننده آزادی و سایر اقدامات را برای رعایت نظم و حفظ امنیت و آزادی مردم به کار گرفت.

رعایت قانون و حفظ نظم در جامعه توسط افراد آن جامعه می‌توان جلوی جرم و اعمال مجرمانه را بگیرد؛ زیرا هر جایی که جرمی واقع می‌شود، قانونی زیر پا نهاده شده و چارچوب‌های قانونی برای ایجاد امنیت و حفظ نظم در جامعه مورد بی‌توجهی قرار گرفته شده است. از این رو نقش قوه قضائیه در جهت حفظ چارچوب‌های قانونی به منظور ایجاد امنیت در جامعه و جلوگیری از وقوع جرم و کاهش آن بسیار مورد توجه و حائز اهمیت است.

جرم عمل ضد اجتماعی مجرم علیه جامعه است که جامعه با مجازات مجرم انزجار خود را نسبت به عمل مجرمانه او نشان می‌دهد. اما اعمال مجازات توسط هر فردی صورت نمی‌گیرد؛ بلکه جامعه با تفویض قدرت خود به قوه قضائیه اعمال مجازات را به این نهاد واگذار کرده است تا این قوه در جهت ایجاد عدالت در جامعه، فرد خاطی را مجازات کند. اما مجازات توسط هر فردی صورت نمی‌گیرد؛ بلکه جامعه با تفویض قدرت خود به قوه قضائیه اعمال مجازات را به این نهاد واگذار کرده است تا این قوه در جهت ایجاد عدالت در جامعه، فرد خاطی را مجازات کند (پاشایی، ۱۳۹۱: ۱۹-۱۸).

اجرای عدالت هر چند که به صورت نسبی محقق می‌شود اما نیازمند عملکرد صحیح قوای قضایی است و نمودار این عملکرد صحیح به منظور ایجاد عدالت و امنیت در جامعه، مبارزه با جرم و اعمال مجرمان بدون تبعیض است؛ یعنی هر کس با هر مقامی و در هر موقعیتی که قرار داشته باشد، چنانچه مرتکب جرم و اعمال منافی با قانون شده باشد از دیدگاه عدالت قضایی محاکمه و مجازات می‌شود و اگر قوه قضائیه با چنین دقت و شدتی به نقض قانون و اعمال مجرمانه برخورد کند، قطعاً در دراز مدت می‌تواند اثرات مثبت این عملکرد صحیح را در جهت اجرای قانون و کاهش جرم و تحقق عدالت مشاهده نماید و قوه قضائیه می‌تواند در چارچوب قانون، با مجازات اخلا لگران در امنیت و آسایش عمومی، قوای اجرایی کشور را در تحقق این امر مهم یاری رساند. (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۲)



سازمان قضایی نیروهای مسلح، تنها مرجع صلاحیت دار جهت رسیدگی قضایی به جرایم نیروهای مسلح اعم از وظیفه و پایور، ضمن برقراری تعامل متقابل با فرماندهان و مسئولان نظامی و انتظامی سراسر کشور، سعی در کاهش نرخ جرائم ارتكابی توسط نظامیان و به تبع آن کاهش حجم پرونده‌های ارجاعی به دادسرای نظامی دارد. بی تردید مهم‌ترین ابزار و لازمه نیل به چنین هدف والایی، اتخاذ و اجرای برنامه‌های پیشگیرانه است که در این راه نقش ارکان نظامی کشور غیرقابل انکار است.

قوانین جزایی و دادرسی نیروهای مسلح: این قوانین بر اساس اصول یک صد و چهل و سوم تا یکصد و پنجاه و یکم قانون اساسی در تاریخ ۱۳۸۲/۱۰/۹ در ۱۳ فصل به شرح تصویب گردیده است.

فصل اول: موارد عمومی.

این فصل در ۱۶ ماده به تصویب رسیده است که در ماده اول به تعریف دادگاه‌های نظامی و وظائف خاص آن‌ها در خصوص رسیدگی به جرایم مربوط به نیروهای نظامی و انتظامی پرداخته و در مواد بعدی به مجازات‌هایی از جمله حبس، پرداخت جزای نقدی، کسر حقوق، منع اشتغال به خدمت، اضافه خدمت، محرومیت از ترفیع، اخراج، انفصال دائم از خدمت، تنزیل درجه، مجازات‌های تعزیری، قصاص نفس و قطع عضو در مواد دیگر پرداخته است.

فصل دوم: جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی.

این فصل از ماده ۱۷ تا ۲۸ در ۱۲ ماده مصوب گردیده است و برابر ماده ۱۷ این فصل هر نظامی که برنامه براندازی به مفهوم تغییر و نابودی اساس نظام جمهوری اسلامی ایران را طراحی یا بدان اقدام نماید و به این منظور جمعیتی تشکیل دهد یا اداره نماید یا در چنین جمعیتی شرکت یا معاونت موثر داشته باشد محارب محسوب می‌شود و در ادامه به بیان مجازات‌های سطوح مختلف جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی می‌پردازد.

فصل سوم: جرایم بر خلاف تکالیف نظامی.

این فصل از ماده ۲۹ تا ۵۵ در ۱۶ ماده مصوب گردیده است برابر ماده ۲۹ این فصل هرگاه تخلف و سرپیچی از تکالیف نظامی سبب تسلط دشمن بر اراضی یا مواضع یا افراد خودی شود، مرتکب به مجازات محارب محکوم می‌شود. و در ادامه به بیان حدود مجازات‌های سطوح مختلف جرایم، بر خلاف تکالیف نظامی در مواد دیگر می‌پردازد.

فصل چهارم: فرار از خدمت.

این فصل از ماده ۵۶ تا ۷۷ در ۲۱ ماده و در سه بخش به شرح ذیل مصوب گردیده است.





بخش اول - فرار در زمان صلح؛

بخش دوم - فرار در زمان جنگ و درگیری مسلحانه؛

بخش سوم - مقررات مشترک؛

فصل پنجم: گزارش خلاف واقع.

این فصل شامل ماده ۷۸ قانون جرایم نیروهای مسلح به شرح ذیل می‌باشد.

هر نظامی به مناسبت انجام وظیفه عمداً گزارش خلاف واقع به فرماندهان و دیگر مقامات مسئول تقدیم نماید و یا حقایق را کتمان و یا با سوء نیت گزارشی با تغییر ماهیت یا به طور ناقص ارائه دهد و یا عمداً جرایم ارتكابی کارکنان تحت امر خود را به مقامات ذیصلاح گزارش ننماید و یا از گزارش آن جلوگیری نماید یا گزارش‌ها و جرایم را به موقع اعلام نکند به ترتیب زیر محکوم می‌شود:

الف- چنانچه اعمال فوق سبب شکست جبهه اسلام یا تلفات جانی گردد به مجازات محارب؛

ب- در صورتیکه موضوع به امور جنگی یا مسائل امنیت داخلی یا خارجی مرتبط باشد به حبس از دو تا پنج سال؛

ج- در سایر موارد به استثنای مواردی که صرفاً تخلف انضباطی محسوب می‌شود به حبس از سه ماه تا یک سال.

تبصره ۱: چنانچه اعمال مذکور موجب خسارات مالی گردد مرتکب علاوه بر مجازات فوق به جبران خسارات وارده نیز محکوم خواهد شد.

تبصره ۲: هر گاه اعمال مورد اشاره در بندهای (ب) و (ج) این ماده بر اثر بی‌مبالاتی و سهل‌انگاری باشد؛ در صورتیکه باعث جنایت بر نفس یا اعضاء شده باشد، مرتکب به نصف حداقل تا نصف حداکثر مجازات‌های مزبور محکوم خواهد شد و در غیراین صورت طبق آیین‌نامه انضباطی عمل می‌شود پرداخت دیه طبق مقررات قانون دیات می‌باشد.

فصل ششم: تقلب و دسیسه در امور نظام وظیفه و تصدیق نامه‌های خلاف واقع.

این فصل شامل ماده ۷۹ قانون جرایم نیروهای مسلح و به شرح ذیل می‌باشد.

هر نظامی که موجبات معافیت یا اعزام مشمولی را به خدمت وظیفه عمومی بر خلاف مقررات فراهم آورد یا سبب شود نام کسی که مشمول قانون وظیفه عمومی است در فهرست مشمولان ذکر نگردد و یا شخصاً یا با واسطه دیگری اقدام به صدور گواهی یا تصدیق‌نامه خلاف واقع در امور نظام وظیفه یا غیر آن نماید چنانچه اعمال مذکور به







موجب قوانین دیگر مستلزم مجازات شدیدتری نباشد به حبس از یک تا پنج سال و یا شش میلیون ریال تا سی میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شود.

فصل هفتم: فروش و حیف و میل و واگذاری اشیای نظامی و اموال نیروهای مسلح. این فصل از ماده ۸۰ تا ۸۸ در ۸ ماده مصوب گردیده است. برابر ماده ۸۰ این فصل هر نظامی که اسلحه و یا اجزای آن یا مهمات یا مواد منفجره یا محترقه متعلق به دولت یا در اختیار دولت را که بر حسب وظیفه به او سپرده شده یا به هر نحو به آن دسترسی پیدا کرده بفروشد یا به رهن بگذارد یا به هر نحو دیگری مورد معامله قرار دهد یا با سوء نیت مخفی نماید به حبس از دو تا شش ماه محکوم می‌گردد. در ادامه به بیان مجازات‌های سطوح مختلف جرایم، فروش و حیف و میل و واگذاری اشیای نظامی و اموال نیروهای مسلح در مواد دیگر می‌پردازد.

فصل هشتم: سرقت.

این فصل از ماده ۸۸ تا ۹۲ در ۴ ماده مصوب گردیده است. برابر ماده ۸۸ این فصل هر نظامی که اسلحه و مهمات و مواد منفجره متعلق به دولت را سرقت نماید به حبس از دو تا ده سال محکوم می‌شود و در ادامه به بیان مجازات‌های سطوح مختلف جرایم، سرقت در مواد دیگر می‌پردازد.

فصل نهم: آتش زدن و تخریب و اتلاف.

این فصل از ماده ۹۳ و ۹۴ در ۲ ماده مصوب گردیده است. ماده ۹۲ این فصل عنوان می‌دارد هر نظامی که عمداً تأسیسات یا ساختمان‌ها یا استحکامات نظامی یا کشتی یا هواپیما یا امثال آن‌ها یا انبارها یا راه‌ها یا وسایل دیگر ارتباطی و مخابراتی یا الکترونیکی یا مراکز محتوی اسناد و دفاتر یا اسناد طبقه بندی شده مور استفاده نیروهای مسلح یا وسایل دفاعیه یا تمام یا قسمتی از ملزومات جنگی و اسلحه و مهمات یا مواد منفجره را آتش بزند یا تخریب کند یا از بین ببرد یا دیگری را وادار به آن نماید به حبس از سه تا پانزده سال محکوم می‌گردد. در ادامه به بیان مجازات‌های سطوح مختلف جرایم، آتش زدن و تخریب اموال بیت المال در مواد دیگر پرداخته شده است.

۱۰۶

فصل دهم: سوء استفاده و جعل و تزویر.

این فصل از ماده ۹۵ تا ۱۱۷ در ۲۲ ماده مصوب گردیده است. ماده ۹۵ این فصل عنوان می‌دارد، هر نظامی که حکم یا امضاء یا مهر یا فرمان یا دستخط فرماندهی کل قوا را به اعتبار مقام وی جعل کند یا با علم به جعل یا تزویر استعمال نماید به حبس





از سه تا پانزده سال محکوم خواهد شد. در ادامه به بیان مجازات‌های سطوح مختلف جرایم، سوء استفاده و جعل و تزویر در مواد دیگر پرداخته شده است.

فصل یازدهم: ارتشاء، اختلاس و اخاذی.

این فصل از ماده ۱۱۸ تا ۱۲۵ در ۷ ماده مصوب گردیده است. ماده ۱۱۸ این فصل عنوان می‌دارد، هر نظامی برای انجام یا خودداری از انجام امری که از وظایف او یا یکی دیگر از کارکنان نیروهای مسلح است وجه یا مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مالی را بلاعوض یا کمتر از قیمت معمول به هر عنوان قبول نماید اگر چه خودداری از انجام امری بر خلاف قانون نباشد در حکم مرتشی است و بر اساس وجه ماخوذ به مجازات‌های مندرج در ادامه همین ماده محکوم می‌شود و در ادامه به بیان مجازات‌های سطوح مختلف جرایم، ارتشاء، اختلاس و اخاذی در مواد دیگر پرداخته شده است.

فصل دوازدهم: استفاده غیر قانونی البسه.

این فصل از ماده ۱۲۶ تا ۱۲۷ در ۲ ماده مصوب گردیده است. ماده ۱۲۶ این فصل عنوان می‌دارد، هر نظامی که علناً نشان‌ها و مدال‌ها و علائم و درجات و البسه رسمی نظامی داخلی یا خارجی را بدون تغییر یا با تغییر جزئی که موجب اشتباه شود بدون مجوز یا بدون حق، استفاده نماید یا لباس، موقعیت، شغل و کارت شناسائی خود برای مقاصد غیر قانونی استفاده کند به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم می‌شود مگر اینکه به موجب این قانون و یا قوانین دیگر مستلزم مجازات شدیدتری باشد که در این صورت به آن مجازات محکوم می‌گردد. در ادامه به بیان مجازات‌های سطوح مختلف جرایم، استفاده غیر قانونی البسه در مواد دیگر پرداخته شده است.

فصل سیزدهم: سایر مقررات.

این فصل از ماده ۱۲۸ تا ۱۳۷ در ۱۰ ماده و در خصوص سایر مقرراتی که بعضاً در فصول قبل دسته بندی نمی‌شدند مصوب گردیده است (کمالان، ۱۳- ۵۵: ۱۳۹۱). از آن جایی که مجازات افراد جهت اصلاح مجرمین در راستای پیشگیری از جرایم و تحت عنوان پیشگیری کیفری بررسی می‌گردد به بررسی این نوع پیشگیری بر اساس قوانین نیروهای مسلح مشکلات و تأثیرات آن‌ها می‌پردازیم.

## جرم

جرم عبارت است از عمل یا ترک عملی که قانون آنرا پیش بینی نموده و برای ترک یا



ارتکاب آن مجازات تعیین نموده باشد. به عبارت دیگر جرم عمل یا خودداری از عملی است که مخالف نظر، صلح و آرامش اجتماع بوده و از همین حیث مجازاتی برای آن تعیین نموده باشند و یا به عبارتی هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب می‌شود (شامبیاتی، ۲۰۵: ۱۳۷۱).

## جرایم نظامی

عبارت است از قصور نظامیان در حفظ انضباط و تخلف از وظایف که به مناسبت شغل به آن‌ها محول شده است (اردبیلی، ۱۳۸۲: ۲۷۱).

تئوری‌های جامعه‌شناختی در خصوص پیشگیری از جرم: نظریه‌های جامعه‌شناختی در باب جرم و جلوگیری از جرم را می‌توان به دو دسته زیر تقسیم کرد: نظریه‌های که به تحلیل و تبیین مجرمیت می‌پردازند و نظریه‌هایی که به نقش محیط در به وجود آمدن یک واقعه مجرمانه اهمیت بیشتری داده‌اند (صادقی فسایی و کریمی، ۱۲۲، ۱۳۸۸-۱۲۰).

نظریه‌های مجرم محور: در نظریه‌های مجرم محور، تمرکز بر مجرمان و کنترل آن‌ها قرار می‌گیرد. جرم، رفتاری غیر اخلاقی محسوب می‌شود که همبستگی اجتماعی را ضعیف می‌کند. بنابراین لازم است تا حد امکان راه‌هایی را برای محدود کردن فرد مجرم به کار بست. تنبیه مجرم امری ضروری تلقی می‌شود که مجرمین را از ادامه کار و تکرار جرم بازداشته، در عین حال برای قانون شکنان عبرت آور خواهد بود. در این رویکرد جلوگیری از جرم با کاهش منفعت مجرم امکان پذیر است. هر چه بتوان مجرم را محدود کرد، به نحوی که منفعت قابل پیش بینی او بسیار کمتر از خطرات و تنبیهاتی باشد که در صورت دستگیری در انتظارش خواهد بود. ارتکاب عمل مجرمانه کاهش خواهد یافت. می‌توان گفت در این دیدگاه سیستم کیفری نقشی پررنگ را ایفا می‌کند و نیازمند کنترل شدید و نظارت‌های سخت و مستمر نیروهای نظارتی است. تئوری انتخاب حساب‌گرانه (Ornish & Clarke 1987) و جلوگیری موقعیتی کلارک را می‌توان در زمره نظریات مجرم محور دانست.

تئوری انتخاب حساب‌گرانه: در حالی که نظریه‌های سنتی، بیشتر موضوع را به گونه‌ای می‌بینند که مجرمین به واسطه شرایط و محیطشان به سوی جرم کشیده می‌شوند، نظریه‌های اخیر که بیشتر اساس اقتصادی دارند، مجرمین را به صورت فردی با تصمیم‌گیری‌های حساب‌گرانه ترسیم می‌کنند. به این معنا که مجرم قبل از ارتکاب جرم، سود و زیان آن را حساب می‌کند و در صورتی دست به ارتکاب جرم می‌زند که نفعی برای



وی حاصل شود (Becker, 1968).

تئوری جلوگیری موقعیتی: تئوری جلوگیری موقعیتی را کلارک مطرح کرد. این نظریه با سایر نظریه‌های جرم شناسی مانند یاگیری اجتماعی و کنترل نیز هم خوانی دارد و بر ابعادی از آن‌ها تاکید می‌کند که در جلوگیری از جرم موثر واقع می‌شوند. کلارک بر این امر تاکید دارد که بیشتر جرایم جوانان و بزرگسالان به لحاظ ماهیتی به فرصت‌ها و زمینه‌ها بر می‌گردند، پس باید درصدد کاهش فرصت‌های ارتکاب جرم و ریسک فاکتورهای مرتبط با آن، برآمد.

- چهارچوب تئوریک که بر انتخاب عقلانی تاکید دارد.

- روش شناسی استاندارد برای پرداختن به جرایم خاص (Felson, 1994).

- کاربرد تکنیک‌های کاهش فرصت‌های جرمی (صادقی فسایی و کریمی، ۱۳۸۸: ۱۲۲).

## جایگاه دین در پیشگیری از جرایم

پیشگیری از جرم، بخشی مهم و در عین حال مورد توجه سیاست جنایی اسلام است. آموزش، تقویت انگیزه‌های معنوی، تأمین نیازهای طبیعی و مشروع و حذف عوامل تحریک کننده از یک سو و مراقبت همگانی و متقابل که امر به معروف و نهی منکر در جامعه اسلامی، به عمل می‌آید؛ از سوی دیگر، عناصر و مراحل گوناگون این جنبه از سیاست جنایی اسلام محسوب می‌شود. (پاشایی، ۱۳۹۱: ۴۰).

## پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمان

پیشگیری از جرم عبارت است از پیش بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از میان بردن یا کاهش آن (رحمت، ۱۳۸۸: ۲۶۶).

پیشگیری از جرم شامل راهبردها و تدابیری است که درصدد کاهش خطر وقوع جرایم و کاهش تأثیرات مضر بالقوه آن‌ها بر اشخاص و جامعه از طریق تحت تأثیر قرار دادن عوامل متعدد موثر در آن‌هاست را شامل می‌شود و یا انجام هر اقدامی که علیه جرم بوده و آن‌را کاهش دهد، پیشگیری محسوب می‌شود. بر اساس این برداشت انواع تدابیر کیفری و غیر کیفری چه مربوط به قبل و چه مربوط به بعد از وقوع جرم، پیشگیری محسوب می‌شوند. بنابراین در این تعبیر حتی تعقیب و دستگیری بزه کاران، اعمال مجازات یا تعلیق اجرای آن، الزام آنان به جبران خسارت مجنی علیه و فردی کردن مجازات توسط قاضی نیز پیشگیری به شمار می‌آیند؛ لذا این مفهوم طیف وسیعی از اقدامات کیفری و





غیر کیفری را در بر می‌گیرد (محمد نسل، ۱۳۸۷: ۳۵-۳۶).

## سطوح مداخله پیشگیرانه

به طور کلی برنامه‌های پیشگیرانه در سه سطح قابیت اجرا دارند. برانتینگام و فست (۱۹۷۶) از جرم‌شناسانی بودند. که به سنخ‌شناسی پیشگیری از جرم در سه سطح زیر پرداختند (Crawford, 2007: 870).

- پیشگیری نخستین<sup>۱</sup>: این پیشگیری شامل آگاه‌ساختن محیطها و اجتماعات عمومی نسبت به خطرات احتمالی بروز جرم است؛ پیش از آن که اساساً جرمی به وجود آمده باشد.

- پیشگیری مرحله دوم<sup>۲</sup>: پیشگیری دومین شامل انجام اقداماتی برای افراد یا محیط‌هایی است که به دلیل دارا بودن برخی تمایلات و ویژگی‌ها، در معرض خطر بزهکاری تشخیص داده شده‌اند.

۳- پیشگیری مرحله سوم<sup>۳</sup>: این پیشگیری ناظر به باز رخداد جرم است و با کانون توجه قرار دادن مجرمان، بزه دیدگان و یا محل‌های ارتکاب جرم، از تکرار بزه جلوگیری می‌کند.

## انواع پیشگیری از جرایم

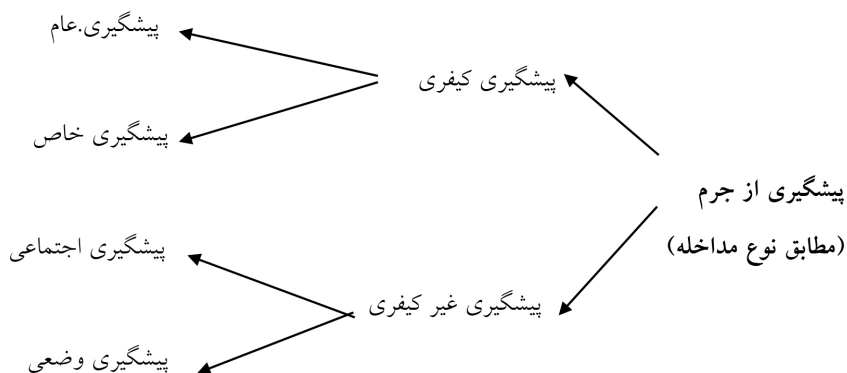
در مورد انواع پیشگیری تقسیم بندی‌های متفاوتی از منظرهای مختلف صورت گرفته است. این تقسیم بندی‌های فراتر از تقسیم بندی‌های صرف نظری هستند و به جنبه‌های متنوع مداخلات پیشگیرانه اشاره دارند.

مطابق معیار زمان مداخله، به دو گونه کنشی (قبل از ارتکاب جرم) و واکنشی (بعد از ارتکاب جرم) بر اساس معیار سطح مداخله به سه دسته نخستین (برای همه افراد) دومین (برای افراد آسیب‌پذیر) و سومین (برای افرادی که مرتکب جرم شده‌اند)، مطابق معیار قلمرو مداخله به دو دسته عمومی (با تمرکز به عوامل عمومی جرم) و اختصاصی (با تمرکز بر علل اختصاصی جرم)، بر اساس معیار سازمان مداخله کننده به سه گونه اجتماعی (نهادهای دولتی و غیر دولتی فعال در مسائل اجتماعی)، انتظامی (نهاد پلیس) و قضایی (مرجع رسیدگی کننده به جرم) و مطابق نوع مداخله به کیفری (از طریق ساز و

1-Primary prevention  
2-Secondary prevention  
3-Tertiary prevention



کارهای نظام عدالت کیفری) و غیر کیفری (از طریق سازو کارهای خارج از نظام عدالت کیفری) دسته بندی می شود (عباچی، ۱۳۸۶: ۲۸).



از آنجایی که در این تحقیق تأکید بر وضع قوانین، تعیین کیفر و اعمال مجازات‌ها برای پیشگیری از جرایم و اصلاح کارکنان نیروهای مسلح به ویژه نیروی انتظامی می باشد. تنها به بررسی پیشگیری کیفری پرداخته شده است.

## پیشگیری کیفری

پیشگیری کیفری یک اقدام پسینی نسبت به جرم است که ویژگی پیشگیرانه نیز دارد. در پیشگیری کیفری، از طریق مجازات مجرم، از سویی احتمال ارتکاب جرم توسط او کاهش می یابد و از سوی دیگر، جنبه ارعابی مجازات، موجب می شود که مجرم بالقوه از ارتکاب جرم خودداری کنند. آنچه در پیشگیری کیفری نقش تعیین کننده ای دارد، سرعت عمل در شناسایی، دستگیری و سزادهی مجرم و توجه به عنصر بازدارندگی در مجازات‌ها است (آرینگتون، ۱۹: ۱۳۹۰).

در این نوع پیشگیری با تکیه بر اثرهای اعمال کیفر، اجرای سریع و حتمی آن سعی می نمایند که بر افکار عمومی جامعه تأثیر گذارند تا از ارتکاب جرم‌ها پیشگیری گردد (گل محمدی خامنه، ۱۳۸۴: ۶-۷).

پیشگیری کیفری که بر مبنای ارائه تعریفی عام از پیشگیری می تواند یکی از انواع پیشگیری به حساب آید (دیدگاهی که کمتر مورد پذیرش جرم شناسان است)، از طریق وضع کیفر و ویژگی‌های ارعابی و بازدارنده آن می کوشد تا از یک سو نسبت به مجرم امکان تکرار جرم را از بین ببرد و از سوی دیگر با تأکید بر ویژگی‌های ارعابی کیفر، انگیزه مجرم احتمالی را برای ارتکاب جرم کاهش دهد. بازدارندگی یکی از مفاهیم





اساسی در پیشگیری کیفری است؛ به این معنی که مجازات‌ها باید به گونه‌ای وضع شوند که مانع ارتکاب مجدد جرم شوند. گذشته از مفاهیم کلیدی مجازات و بازدارندگی، فوریت و دقت شناسایی، تعقیب و دستگیری نیز از اهمیت بسیاری در پیشگیری کیفری برخوردار است. در واقع - به مانند پیشگیری موقعیت مدار - در اینجا نیز فرض اصلی، حسابگر بودن مجرم است. تعقیب و مجازات باید به گونه‌ای باشد که مجرم حسابگر را به این نتیجه برساند که منافع حاصل از ارتکاب جرم، به دلیل شدت، دقت و سرعت واکنش کیفری، از ریسک بالایی برخوردار است. سنگینی کفه ریسک می‌تواند عاملی باشد برای چشم پوشی مجرم از منافع احتمالی کفه دیگر ترازو (نوروزی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۲-۳۳).

پیشگیری کیفری به دو شاخه عام و خاص تقسیم می‌شود: الف) پیشگیری عام؛ محور این نوع پیشگیری، برنقش بازدارندگی مجازات‌ها، ایجاد ترس و وحشت و عبرت آموزی کیفری بر عموم مردم استوار است. پیشگیری عام جرم مدار است و در این نوع پیشگیری از طریق وضع قوانین، تعیین کیفر و اجرای آن در مجرم‌ها تلاش می‌شود تا از ارتکاب اولیه جرم‌ها توسط افراد جامعه پیشگیری گردد. منظور از پیشگیری عام، استفاده از جنبه‌های ارعاب‌آمیز حقوق کیفری و مخصوصاً مجازات است با این استدلال که ترس از دستگیری و مجازات، افراد را از ارتکاب جرم منصرف می‌نماید لذا قانون‌گذار با جرم‌انگاری برخی رفتارها همچون سرقت و قاچاق و... همچنین تعیین مجازات برای مرتکبین این گونه اعمال و ترساندن افرادی که در صورت نبودن مجازات ممکن است برای ارتکاب جرم وسوسه شوند از وقوع جرم پیشگیری می‌کند. ب) پیشگیری خاص؛ هدف اصلی این نوع پیشگیری، اصلاح مجرمین و جلوگیری از تکرار جرم است و مجموعه اقدام‌هایی است که در راستای بازپروری و اصلاح مجرمین انجام می‌گیرد تا از تکرار جرم جلوگیری گردد. این نوع پیشگیری بر خلاف پیشگیری خاص مجرم مدار است و از دیدگاه‌های جرم‌شناسی متأثر است. در پیشگیری خاص سعی می‌شود با فردی کردن قانون، اجرای محکومیت‌ها، گرفتن آزادی و مراقبت و کمک کردن به زندانیان از تکرار جرم زندانیان مرخص شده پیشگیری نمایند (گل محمدی خامنه، ۱۳۸۴: ۷-۶).

به عبارتی منظور از پیشگیری کیفری خاص از جرم، پیشگیری از تکرار بزه توسط بزهکار است، که با اصلاح مجرمین که طبق قسمت دوم بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی از وظائف قوه قضائیه است محقق می‌شود همچنان که ماده ۳ آئین نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۸۴/۹/۲۰ از نگهداری محکومان در زندان،



حرفه‌آموزی، بازپروری و بازسازگاری آنهاست.

در حال حاضر افزایش اندازه سازمان‌های پلیس اصلی‌ترین پاسخ به روند رو به رشد جرم و خشونت بوده است. طی سی سال گذشته، منابع انسانی سازمان‌های پلیس در اکثر کشورهای صنعتی حدود ۵۰٪ افزایش داشته و به طور متوسط ۸۵٪ از کل سیستم عدالت کیفری را به خود اختصاص داده است (محمد نسل، غلام رضا، ۱۳۸۷: ۲۱). افزایش منابع انسانی سازمان‌های پلیسی احتمال افزایش جرایم کارکنان پلیسی را افزایش می‌دهد. از آن جایی که وقوع این گونه جرایم همیشه در جوامع و سازمان‌های گوناگون وجود دارد به ناچار بایستی علاوه بر وضع قوانین کیفری و قضایی جهت این گونه افراد که خود تهدیدی علیه امنیت جامعه می‌باشند اعمال قوانین نیز به گونه‌ای باشد که تا با اصلاح کارکنان این تهدیدات و آسیب‌ها به فرصت تبدیل و علاوه بر اصلاح مجرمین زمینه‌های پیشگیری از انجام مجدد جرایم پدید آید.

## فراوانی جرایم کارکنان فرماندهی انتظامی استان کرمان

در حال حاضر استان کرمان به لحاظ موقعیت خاص جغرافیایی و همجواری با استان‌های مرزی سیستان و بلوچستان و هرمزگان، وضعیت فرهنگی و بافت قومی و عشیره‌ای مناطق جنوبی، وضعیت اجتماعی و اقتصادی، وضعیت کارگری و صنعتی، وضعیت دانشجویی، وضعیت فرهنگی و امنیت اخلاقی پتانسیل لازم جهت مجرمیت آن دسته از کارکنان فرماندهی انتظامی استان کرمان را که از ضعف اعتقادی برخوردار می‌باشند، برای دستیابی به لذات و ثروت‌های نامشروع را داراست.

جدول ۱- ۱۲: نسبت فراوانی جرایم کارکنان فرماندهی انتظامی استان کرمان در سال ۱۳۹۳ به ۱۳۹۴

ردیف	نوع جرم	در صد مقایسه جرایم در سال ۱۳۹۳ نسبت به سال ۱۳۹۲	در صد مقایسه جرایم در سال ۱۳۹۴ نسبت به سال ۱۳۹۳
۱	استعمال مواد مخدر	۳۷/۵٪	۵۷/۵٪
۲	حمل و نگهداری مواد مخدر	۱۱/۱۱٪	۳۳/۳٪
۳	ارتشاء	۴۵/۶٪	۰
۵	ایراد ضرب و جرح	۱۰/۵۲٪	۱۷٪
۶	سوء استفاده از موقعیت شغلی	۲۹/۱۶٪	۲۳/۵٪





چنانچه گفته شد در این بین معدودی از کارکنان به دلایل یاد شده و سوء استفاده از اختیارات قانونی و قضایی با مجرمین همراه شده و امنیت جامعه را در همه ابعاد آن به مخاطره می‌افکنند. جدا از جرم فرار از خدمت در زمان صلح، نسبت شش نوع از شایع‌ترین جرایم کارکنان فرماندهی انتظامی بر حسب اولویت در سال‌های ۹۲، ۹۳ و ۹۴ به شرح ذیل می‌باشد.

## روش شناسی تحقیق

روش شناسی تحقیق حاضر از نظر نوع، کاربردی و از نظر روش‌های کمی گردآوری داده‌ها، توصیفی از نوع پیمایشی است که در آن به بررسی قوانین سازمان قضایی نیروهای مسلح جهت مجازات افراد خاطی با رویکرد اصلاحی و پیشگیری از جرم، با توجه به نسبت جرایم کارکنان فا. استان کرمان در سال‌های ۱۳۹۳ به ۱۳۹۴ پرداخته شده است. در این پژوهش نیز برای تدوین ادبیات نظری، پیشینه تحقیق و مباحث نظری با استفاده از ابزار لازم شامل: مطالعه کتب، جزوات آموزشی و مراجعه به کتابخانه‌های دانشگاهی، مراکز و مؤسسات آموزش عالی و نیز جستجوی اینترنتی اطلاعات مورد نیاز با استفاده از روش فیش برداری جمع‌آوری شده است.

## یافته‌های تحقیق

الف- اعمال قوانین جزایی نیروهای مسلح یک اقدام پسینی نسبت به جرم است که از طریق مجازات کارکنان متخلف، از یک سو قصد کاهش احتمال ارتکاب به جرم توسط مجرمین را دارد. و از یک سو سعی دارد تا جنبه‌های مجازات باعث شود که مجرمین بالقوه از ارتکاب جرم خودداری نمایند و به این ترتیب این قوانین نقش بازدارندگی و اصلاحی را داشته باشند.

بررسی‌های به عمل آمده در خصوص نسبت فراوانی و مقایسه شش نوع از جرایم کارکنان فا. استان کرمان در سال‌های ۹۲، ۹۳ و ۹۴ (جدول ۱-۱۲) نشان می‌دهد.

- در جرایمی مانند استعمال مواد مخدر، حمل و نقل مواد مخدر و سوء استفاده از موقعیت‌های شغلی، افزایش مجازات کارکنان فا. استان کرمان در سال ۹۳ نسبت به سال ۹۲، کاهش وقوع این جرایم در سال ۹۴ به میزان  $5/57\%$ ،  $5/33\%$  و  $5/23\%$  به همراه داشته است. که علاوه بر سایر دلایل می‌توان درصدی از کاهش وقوع جرایم و پیشگیری از جرم‌های یاد شده را نتیجه تأثیر و بازدارندگی قوانین سازمان قضایی نیروهای مسلح





دانست. به عبارتی با افزایش مجازات کارکنان در خصوص جرایم یاد شده بسته به نوع جرم درصد معینی از جرایم کاهش می‌یابد.

- در جرایمی مانند ارتشاء، کاهش مجازات کارکنان متخلف در سال ۹۳ نسبت به سال ۹۲ بر روند وقوع جرم ارتشاء بی تأثیر بوده و کارکنان به همان نسبت مرتکب این جرم گردیده‌اند که نشانگر تأثیر بالای سایر عوامل در وقوع و یا بازدارندگی از جرم ارتشاء می‌باشد.

- در جرایمی مانند ضرب و جرح، کاهش مجازات‌ها در سال ۹۳ نسبت به سال ۹۲ نه تنها باعث افزایش وقوع جرم ضرب و جرح نگردیده بلکه کاهش وقوع این جرم به میزان ۱۷٪ را در سال ۹۴ به همراه داشته است که نشانگر بی تأثیر بودن یا به عبارتی ناچیز بودن تأثیر قوانین سازمان قضایی نیروهای مسلح و تأثیر بالای سایر عوامل مانند بالابردن آستانه تحمل کارکنان و... که در جای خود قابل بحث است می‌باشد.

ب- فوریت و دقت در شناسایی، سرعت عمل در تعقیب، دستگیری و سزادهی کارکنان مجرم بر اساس قوانین جزایی نیروهای مسلح، مجرمین را به این نتیجه می‌رساند. که منافع حاصل از ارتکاب جرم، به دلیل شدت، دقت و سرعت واکنش دستگاه کیفری از ریسک بالایی برخوردار است و عاملی است برای پیشگیری از وقوع جرم.

ج- فردی کردن قوانین جزایی نیروهای مسلح، اجرای محکومیت‌ها، سلب آزادی و مراقبت و کمک کردن به زندانیان، حرفه آموزی، بازپروری و... باعث اصلاح کارکنان و پیشگیری از وقوع جرم خواهد شد.

د- ترس از دستگیری و مجازات بر اساس قوانین جزایی نیروهای مسلح موجبات ایجاد ارعاب در افراد و جلوگیری از وسوسه آنان در ارتکاب جرم و هدایت به سمت راهکارهای شرافت مندانه و نهایتاً اصلاح مجرمین بالقوه خواهد شد.

## نتیجه گیری

سوابق و بررسی‌های انجام شده در طول تحقیق نشان می‌دهد که قوانین قضایی سازمان نیروهای مسلح در ۱۳ فصل و ۱۳۷ ماده در خصوص تبیین نوع جرایم و محاکم مربوطه و برگرفته از حقوق اسلامی برای اصلاح مجرمین و تأثیر بر افکار عمومی سایر کارکنان جهت پیشگیری از جرایم تدوین گردیده است.

از آنجایی که بسیاری از جرایمی که در بین کارکنان فا. استان کرمان اتفاق می‌افتد توسط



کسانی است که سابقه ارتکاب جرم را دارند بنابراین اصلاح آنان می‌تواند از تکرار جرایم بعدی جلوگیری کند بسیاری از جنایات و جرایم عمده و مهم توسط کسانی است که سابقه ارتکاب جرایم کم اهمیت را داشته‌اند. هرچند یکی از اهداف مجازات اعاده نظم عمومی و آرامش خاطر بزه دیدگان است ولی هدف دیگر که ارعاب و بازدارندگی است از اهمیت بیشتری برخوردار است و مهم‌ترین مقوله اصلاح و تأدیب کارکنان مجرم است.

بر همین اساس تقسیم بندی جرایم در حقوق اسلامی و به تبع آن در قوانین قضایی نیروهای مسلح بر اساس مجازات‌ها صورت گرفته است. و از آن جایی که قوانین قضایی نیروهای مسلح بر اساس حقوق اسلام تدوین گردیده هدف اصلی مجازات‌ها پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح کارکنان است. این قوانین مطرح می‌شوند تا موجب ارعاب گردیده و اثر بازدارندگی داشته باشد و موجب اصلاح مجرم شوند تا شخص مجرم مجدداً به ارتکاب جرم دست نزند. و اگر در چارچوب مجازات‌های یاد شده به نحوی عمل شود که این اهداف محقق نشوند. نقض غرض شده، پس بایستی در مجازات مجرمین، اثر گذاری قوانین سازمان قضایی نیروهای مسلح بر کارکنان، و تأثیر سایر عوامل دیگر نیز در پیشگیری و بازدارندگی کارکنان از انجام جرایم را مد نظر قرار داد. تا در صورت کم تأثیر بودن قوانین یاد شده در پیشگیری از وقوع برخی جرایم، همانند: ارتشاء، ضرب و جرح و... با استفاده از سایر روش‌های پیشگیری از جرم (پیشگیری‌های غیر کیفری) به اهداف مورد نظر، که پیشگیری از وقوع جرایم و اصلاح کارکنان است جامه عمل پوشانید.

## منابع

- اردبیلی، محمد علی. (۱۳۸۲)؛ عمومی حقوق جزای، تهران، نشر میزان، چاپ اول، جلد اول
- آرینگتون، ریچارد آل. (۱۳۹۰)؛ پیشگیری از جرم راهنمای عملی مأموران پلیس، تهران، انتشارات شرکت ناجی نشر.
- احمدی، محمد حسین. (۱۳۸۸)؛ شرح وظایف کلا نتری و پاسگاه‌ها، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه علوم انتظامی ناجا.
- پاشایی، عباس. (۱۳۹۱)؛ پیشگیری از جرم، چاپ اول، تهران، معاونت تربیت و آموزش ناجا، اداره کل منابع و منون درسی.
- خالقی، علی. (۱۳۹۰)؛ آیین دادرسی کیفری، چاپ سیزدهم، تهران، انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- رحمت، محمد رضا. (۱۳۸۸)؛ راهکارهای نوین پیشگیری از جرم، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
- شامبیاتی، هوشنگ. (۱۳۷۱)؛ حقوق جزای عمومی، جلد اول، تهران، انتشارات رودکی.





- صادقی فسایی، سهیلا و کریمی، شیوا. (۱۳۸۸)؛ جرم شناسی خود و دیگری، مجموعه مقالات کار گروه پیشگیری از جرم‌ها رویکرد جامعه شناختی، نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم، تهران، معاونت آموزش ناجا.
- عباسچی، مریم. (۱۳۸۸)؛ مبانی و مقدمات تدوین برنامه ملی پیشگیری از جرم در ایران، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره نهم.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۰)؛ مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، چاپ هفتاد و هفت، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- کریمی، عباس. (۱۳۸۷)؛ پلیس و پیشگیری از جرم مجموعه مقاله‌ها و سخنرانی‌های پیش همایش، اولین همایش ملی پیشگیری از وقوع جرم، تهران، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.
- کمالان، سید مهدی. (۱۳۹۱)؛ مجموعه قوانین و مقررات نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، چاپ چهارم، تهران، انتشارات کمالان.
- گل محمدی خامنه، علی. (۱۳۸۴)؛ پیشگیری از جرم، چاپ اول، تهران، انتشارات موسسه انتشاراتی جهان جام جم.
- محمد نسل، غلام رضا. (۱۳۸۷)؛ پلیس و سیاست پیشگیری از جرم، تهران، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.
- محمد نسل، غلام رضا. (۱۳۸۷)؛ پلیس و پیشگیری از جرم، مجموعه مقالات، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا با همکاری معاونت آموزش پلیس پیشگیری ناجا.
- نوروزی، بهرام، بارانی، محمد و سرکشیکیان، سید محمد حسین. (۱۳۹۰)؛ پیشگیری از جرم از نظریه تا عمل، تهران، انتشارات شرکت ناجی نشر.

- Becker, G. (1968), "Crime and punishment; An Economic Approach", Journal of political Economic, vol.76.
- Crawford, A. (2007), crime prevention and community safety, the Oxford Hand of Criminology, Edition, New York, Oxford University press.
- Felson, M. (2002), "Crime and Everyday Life", 3rd ed., London: pine forges

